

مهاجرانی: دولت حامی معیشت ساحل‌نشینان و فعالان دریایی است



سختگویی دولت چهاردهم در جریان بازدید میدانی از مجتمع بنادر غرب هرمزگان، بسر تداوم خدمات‌رسانی و بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده تاکید کرد و گفت: دولت همواره حامی معیشت ساحل‌نشینان و فعالان حوزه دریا است.

به گزارش اقتصادسراسرآمد،فاطمه مهاجرانی به همراه محمد شکیبی‌نسب معاون وزیر راه و شهرسازی و مدیرعامل سازمان بنادر و دریانوردی و محمد آشوری تازیانی استاندار هرمزگان، با حضور در بنادر غرب استان از نزدیک در جریان روند عملیات‌ها و اقدامات انجام‌شده پس از تهاجم دشمن قرار گرفت. وی در حاشیه‌ی این بازدید، تلاش‌های شبانه‌روزی مدیران و کارکنان بنادر غرب هرمزگان را اقدامی قابل تقدیر و الهام‌بخش دانست و گفت: بنادر، خط مقدم جریان اقتصادی کشور هستند و دولت خود را ملزم به حمایت از معیشت مردم این منطقه و پشتیبانی از فعالان حوزه دریا می‌داند.

مهاجرانی با بیان اینکه دولت با تمام توان برای بازگشت شرایط به روال عادی و تقویت زیرساخت‌های آسیب‌دیده، در کنار فعالان اقتصادی و مردم منطقه ایستاده است گفت: هدف از بازدیدهای میدانی، حل‌گره‌های اجرایی و اطمینان‌بخشی به فعالان اقتصادی است تا چرخ اقتصاد این منطقه با قدرت به حرکت خود ادامه دهد.

وی همچنین بنادر غرب هرمزگان را نبض اقتصادی منطقه دانست و گفت: تداوم فعالیت این بنادر برای معیشت ساحل‌نشینان و پایداری صادرات و واردات کشور حیاتی است.

در این بازدید نمایندگان و هیات اعزامی دولت، ضمن مشاهده بخش‌های آسیب‌دیده، بر ضرورت بازسازی سریع و حفظ پویایی بنادر غرب هرمزگان به‌عنوان شریان‌های حیاتی اقتصاد منطقه تاکید کردند.

دیدار سختگویی دولت با خانواده شهدای حملات اخیر آمریکا به استان هرمزگان مهاجرانی‌س همچنین در ادامه سفر خود به استان هرمزگان با خانواده شهیدان پراکنده دل، اکبری و جعفری فرد نیز دیدار کرد و خانواده‌های شهدا به عنوان الگوی صبر، ایمان و ایستادگی بر ارزش‌ها یاد کرد.

سختگویی دولت در حاشیه این دیدار گفت: آنچه از خانواده‌های شهدا می‌آموزیم، ایستادگی و پایداری بر ارزش‌هاست و واقعا شایسته است که همه از آنان بیاموزیم.

وی بسا پیشان اینکه حامل سلام ویژه رئیس‌جمهور برای خانواده‌های شهدا و مردم عزیز استان‌های جنوبی کشور بوده است، افزود: توفیق حاصل شد که در این سفر در خدمت این خانواده‌ها گرانقدر باشم و این دیدار از بخش‌هایی بود که برای من بسیار آموزنده بود.

به گزارش ایرنا، فاطمه مهاجرانی سختگویی دولت پس از سفر به استان بوشهر، ساعاتی پیش از مسیر زمینی وارد بندرعباس شد و پس از ورود مورد استقبال استاندار و سایر مسوولان استان هرمزگان قرار گرفت.

سفر مهاجرانی به نمایندگی از هیات دولت و به منظور بررسی وضعیت استان‌های جنوبی کشور پس از حملات اخیر آمریکا درحال انجام است.

وی پیش از سفر به این استان، به دستور رئیس‌جمهور پزشکیان و معاون اول رئیس‌جمهور به استان‌های خوزستان و بوشهر سفر کرد تا وضعیت این دو استان پس از حملات اخیر آمریکا به مناطقی از جنوب کشورمان را مورد بازدید و بررسی قرار دهد.

پیش از این نیز معاون اجرایی رییس‌جمهور و وزرای نیرو و راه و شهرسازی روز گذشته به منظور بررسی وضعیت هرمزگان پس از حملات اخیر آمریکا علیه نقاطی از این استان، وارد بندر عباس شده و با شرکت در نشست ستاد مدیریت بحران، مشکلات و مسائل آن را بررسی کردند.

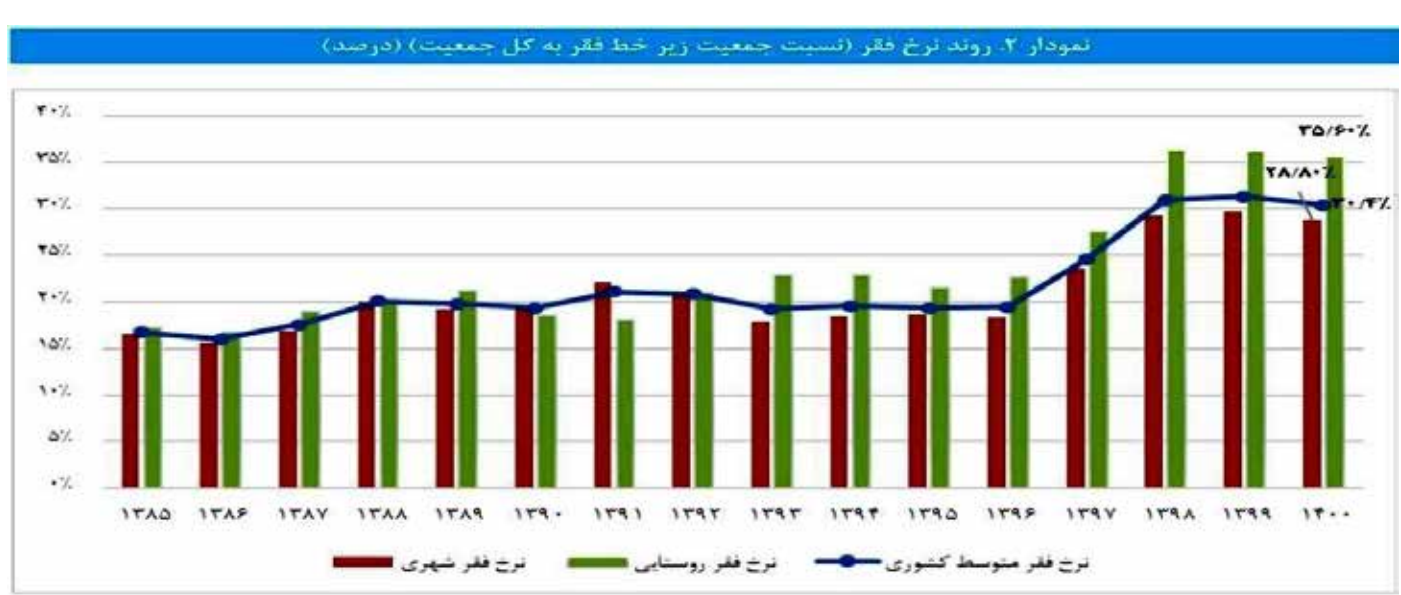
«سرآمد» تحلیل می‌دهد؛

ضرورت اصلاح پیشگیرانه فقر



را بر دوش جامعه و حاکمیت می‌نهد. مواجهه با این گروه، نه از سر منت، که از سر ادای حق آنان است و هرگونه قصور در یاری‌رسانی به ایشان، نقض آشکار عدالت اجتماعی محسوب می‌شود. اما در سویی دیگر، تفسیر فقر ناشی از سستی و بی‌کاری به عنوان تقصیر محض فرد، نه تنها نادرست، که بسا ظالمانه نیز هست، زیرا این گونه از فقر نیز اغلب ریشه در ساختارهای ناعادلانه آموزشی، فرهنگی و فرصت‌های شغلی نابرابر دارد که انگیزه و کارآمدی فرد را در بلندمدت تضعیف می‌کنند. به عبارت دقیق‌تر، آنچه به عنوان تنبلی یا

نیز آموزه‌های حکمت اسلامی قابل دفاع است، به شرطی که این حد ضروری را نه فقر فلاکت‌بار و تحقیرکننده، که همان ساده‌زیستی اختیاری و قناعت آگاهانه معنا کنیم. در سنت اسلامی، همواره بر پرهیز از اشرافی‌گری و اسراف تاکید شده و زیستن متواضعانه، نه به عنوان یک تحمیل بیرونی، که به عنوان یک فضیلت اخلاقی و عامل تقویت‌کننده همبستگی اجتماعی ستایش گردیده است. بی‌گمان، فاصله‌معداری میان این ساده‌زیستی پسندیده با تهی‌دستی تحمیلی که توان زیست کریمانه را از انسان سلب می‌کند، وجود دارد، اما



نادیده گرفتن کارکرد مثبت کاهش توقعات مادی و تعدیل سبک زندگی همگانی، ما را به سیاست‌هایی می‌کشاند که خواسته یا ناخواسته، تولید فقر ساختاری را تسریع می‌کنند؛ چراکه گاهی، خود فرهنگ مصرف‌زدگی و رقابت بی‌پایان برای انباشت ثروت، زمینه‌ساز محرومیت گروه‌هایی می‌شود که توان همراهی با این شتاب ویرانگر را ندارند. بنابراین، سیاست‌مواجهه با فقر، نمیتواند تنها بسر افزایش تولید و توزیع درآمد متمرکز شود، بلکه باید به بازتعریف ارزش‌ها و بازنگری در مفهوم زندگی خوب نیز بپردازد، تا حدی از فقر، نه به مثابه یک آسیب، که به عنوان یک یادآور دائمی ضرورت ساده‌زیستی و پرهیز از طغیان هوس‌های مادی، در بافت جامعه حفظ شود.

در این میان، یکی از مهمترین خطاهای تحلیلی که سیاست‌های حمایتی را به بیراهه برده است، فروکاستن فقر به دو گونه کلی استضعاف و سستی یا بی‌کاری ناشی از تقصیر فردی است، در حالی‌که واقعیت اجتماعی، تمایزات ظریف‌تر و گونه‌های متنوع‌تری را پیش روی ما می‌گشاید که هر یک، به راهبردهایی مختص به خود نیاز دارند. استضعاف، به عنوان وضعیتی که فرد در آن به سبب عواملی کاملاً بیرون از اراده و تقصیر خویش، همچون جنگ، خشکسالی، بیماری‌های مزمن، معلولیت یا بی‌عدالتی نسلی، در چنگال فقر گرفتار می‌آید، بی‌گمان سنگین‌ترین مسئولیت اخلاقی و تکلیف شرعی

آشکار می‌شود. این رویکرد، هرچند در کوتاه‌مدت، التیامی بر زخم گرسنگی و بی‌سرنواهی است، اما در بلندمدت به یک واکنش شرطی و ازسرگیرنده بدل می‌شود که هیچ‌گاه به سرچشمه‌های پنهان فقر دست نمی‌یابد. نقطه مقابل، بلکه مقدم بر آن، مفهوم دفع است که معنایی جز پیشگیری و مصون‌سازی ساختاری از فروافتادن افراد و گروه‌ها به ورطه محرومیت ندارد. دفع، نگاهی آینده‌نگر و مبتنی بر عقلانیت سیستمی است که تلاش می‌کند کانون‌های بالقوه تولید فقر را شناسایی کرده و پیش از آنکه بحران به نقطه انفجار برسد، با تدابیر هوشمندانه، زنجیره علّی آن را بگسلد. این اولویت بندی، نه‌از سر بی‌مهری به محرومان کنونی، بلکه از سر درک این حقیقت است که هر ربالی که صرف پیشگیری می‌شود، ده‌ها برابر از هزینه‌های گزاف درمان فقر مزمن و ریشه‌دار می‌کاهد و از همه مهم‌تر، عزت انسانی افراد را در فرایند مداخله، حفظ می‌کند، زیرا کسی که هرگز به ورطه فقر تحقیرآمیز نمی‌افتد، هرگز طعم تلخ و ابستگی ناشی از کمک‌های اضطراری را نمی‌چشد.

با این حال، تصور جامعی از فقر نمی‌تواند بدون پذیرش این واقعیت که حد معقولی از آن در هر ساختار اجتماعی، نه تنها اجتناب‌ناپذیر، که حتی تا مرزی ضروری و کارکردی است، شکل بگیرد. این گزاره، هرچند در نگاه نخست، متناقض نما و حتی ظالمانه می‌نماید، اما بر پایه مشاهدات جامعه‌شناختی و

نیز که امروزه در قالب شکاف دیجیتالی و نابرابری آموزشی پدیدار می‌شود، به سرعت در حال تبدیل شدن به مرز جدیدی میان غنی و فقیر است، مرزی که از هر دیوار فیزیکی، نفوذناپذیرتر و بازتولیدکننده‌تر عمل می‌کند. همچنین نباید از فقر عاطفی و سرمایه اجتماعی فروپاشیده غافل شد، که در آن فرد، نه از نبود پول، که از نبود پیوندهای حمایتگر خانوادگی و همسایگی رنج می‌برد و در جزیره‌ای از تنهایی، تاب‌آوری خود را در برابر شوک‌های اقتصادی از دست می‌دهد. سیاست جامع مواجهه با فقر، ناگزیر است که به همه این ابعاد، به مثابه حلقه‌های یک زنجیره به هم پیوسته، توجه کند و اقدامات خود را در بستری چندوجهی طراحی نماید، به گونه‌ای که بهبود هر یک از این ساحت‌ها، به تقویت سایر حوزه‌های بینجامد و یک حرکت هماهنگ و تمام‌عیار به سمت توانمندسازی پایدار شکل گیرد.

در این میان، حکمت اسلامی با تأکید بر مفاهیمی چون خلافت الهی انسان، کرامت ذاتی بنی‌آدم و تکلیف اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر، چارچوبی غنی و بدیل برای طراحی این سیاست جامع در اختیار می‌نهد؛ چارچوبی که در آن، فقر نه یک عارضه اقتصادی، که نشانه‌ای از اخلال در نظام توحیدی توزیع مواب و به هم ریختگی رابطه انسان با خود، دیگران و خالق خویش تلقی می‌شود. بر اساس این نگاه، وظیفه جامعه و حاکمیت، صرفاً انتقال کالا و پول به جیب فقیر نیست، بلکه بازگرداندن عزت از دست‌رفته و کرامت انسانی او از طریق ایجاد زمینه‌های مشارکت فعال و تولی‌گری اقتصادی و اجتماعی است. به عبارت دیگر، سیاست مطلوب، سیاستی است که فقیر را از جایگاه مفعول مطلق (گیرنده) به جایگاه فاعل اخلاقی و عامل تغییر (تولیدکننده و تصمیم‌گیر) ارتقا دهد، به گونه‌ای که او خود، بخشی از راه حل مسئله خویش باشد، نه صرفاً نمود آماری یک بحران. این رویکرد، که می‌توان آن را سیاست تواناساز کرامت محور نامید، مستلزم تحولی اساسی در نهادهای حمایتی است؛ نهادهایی که باید از ساختارهای سنتی کمک‌رسانی موقتی عبور کرده و به نهادهای فرصت‌آفرین پایدار بدل شوند، با ارائه مشاوره، آموزش، توانمندسازی حقوقی و تسهیل دسترسی به شبکه‌های تولید و توزیع، به جای توزیع مستمری‌های ناچیزی که تنها به بقای بی‌عزت مددجو می‌انجامد. بی‌گمان، چنین تحولی، هم به بازنگری بنیادین در قوانین مالی و بودجه‌ریزی اجتماعی نیاز دارد و هم به تربیت نسل جدیدی از مددکاران اجتماعی که نگاه درمانگر صرف را کنار گذاشته و به چشم یک شریک توسعه به فرد فقیر بنگرند. تأکید بر پیشگیری (دفع) به عنوان محور اصلی سیاست‌گذاری، به طور طبیعی، ما را به بررسی ساختارهای زایش فقر رهنمون می‌سازد؛ ساختارهایی که اغلب در نهادهای آموزشی، نظام مالیاتی، سیاست‌های ارزی و تجاری، یا حتی در قوانین تملک‌زمین و مسکن ریشه دارند. برای مثال، نظام آموزشی ناکارآمدی که دانش‌آموزان مناطق محروم را از مهارت‌های پایه سواد مالی و دیجیتال بی‌بهره می‌گذارد، در واقع بزگترین کارخانه تولید فقر آینده است، زیرا نسلی را روانه بازار کار می‌کند که فاقد ابزارهای حداقلی رقابت است. به همین سان، نظام مالیاتی غیرتدریجی که بار سنگین تأمین هزینه‌های عمومی را بر دوش اقشار کم‌درآمد می‌گذارد و از انباشت ثروت افسارگسیخته در طبقات بالا جلوگیری نمی‌کند، خود عاملی مستمر در ایجاد و تعمیق نابرابری است.

بنابراین، سیاست دفع فقر، بسه معنای اصلاح مستمر و هوشمندانه این ساختارهای زایشگر است؛ اصلاحی که شاید در کوتاه‌مدت، هزینه‌های سیاسی و اقتصادی قابل توجهی در پی داشته باشد، اما در بلندمدت، تنها راه گریز از دام فقر مزمن و نسل به نسل به شمار می‌رود. اینجاست که نقش حاکمیت به عنوان ناظر کلان و تسهیل‌گر فرآیندها، حیاتی می‌شود؛ حاکمیتی که نه با بخشش‌های مقطعی، که با تدوین سیاست‌های کلان پیشگیرانه، چون تأمین بهداشت همگانی، حمایت از تولید داخلی دانش‌بنیان، و برقراری عدالت فضایی در توزیع امکانات شهری و روستایی، می‌تواند جامعه را در برابر شوک‌های اقتصادی و طبیعی، مقاوم‌تر و آسیب‌ناپذیرتر سازد. مواجهه با فقر، زمانی از تناقض‌های درونی خالی می‌شود که پیشگیری را بر درمان و بیش سیستمی را بر مداخلات جزیره‌ای ترجیح دهیم و این، دقیقاً همان حکمتی است که گنجینه معرفت اسلامی، با تأکید بر تدبیر منزل و سیاست مدن به عنوان دورکن جدایی‌ناپذیر جامعه مطلوب، به وضوح بدان اشاره شده است، و امروز، بیش از هر زمان دیگری، به بازخوانی مجدّد و جرئت‌ورزی در اجرای آن نیازمندیم.

بدون شرح

قاب دوربین



عکس: اصغر بشارتی

بدون شرح...



فریبا عیسی - اقتصاد سرآمد